

حتی اقدامات موثلفه را هم حمایت نکردند؟

حتی موثلفه را حمایت نکردند. اعلام حمایت از این نوع عملکردها و فعالیت‌ها امام(ره) نداشتند. وقتی سازمان مجاهدین خلق نمایندگان خود را نزد امام(ره) می‌فرستند و می‌گویند از ما حمایت کنید و امام(ره) البته از آنها توضیح می‌خواهند که ایده و مرام و مسلک خود را بگویید و آنها هم توضیح می‌دهند. امام(ره) در جواب آنها گذشته‌از انحرافاتی که در افکار و ایده‌های آنها می‌بینند، همان‌موقع که حدود سال ۴۷ یا ۴۸ است، به آنها می‌گویند حرکات مسلحانه به هیچ‌جا نمی‌رسد و مردم باید آگاه شوند. اگر مردم آگاه شدند، قیام می‌کنند و اگر مردم آگاه نشدند، با این عملیات‌های چریکی به جایی نمی‌رسند. اینها (سازمان مجاهدین خلق و چریک‌های فدایی خلق و دیگر گروه‌های مسلحانه) الگوی خود را معمولا از ایده‌های چپ مارکسیستی می‌گرفتند؛ ایده خود را از چگوارا یا جنبش پارتیزانی در کشورهای آمریکای جنوبی و یا انقلاب کوبا می‌گرفتند که افرادی همانند فیدل کاسترو و ارنستو چگوارا پیدا می‌شوند و به کوه‌ها می‌روند و انقلاب می‌کنند؛ یا از برخی کشورهای آفریقایی تحت‌تأثیر تفکرات چپ مارکسیستی گروه‌های مسلح شکل گرفته بود، ایده می‌گرفتند و در ایران هم یک سازمان را تشکیل می‌دادند، خانه‌های تیمی داشتند، سلاح جمع می‌کردند و در برخی جاها انفجاری صورت می‌دادند و یا کسی را ترور می‌کردند. امام(ره) به آنها می‌گویند این ایده به انقلاب منتهی نخواهد شد، حداقل در ایران این ماجرا جواب نمی‌دهد و دنبال این نروید. پس امام(ره) از ابتدا تعالی و رشد فکری برای جامعه را اصل می‌دانستند. این رشد آگاهی‌ها را مدنظر داشتند. انقلاب اسلامی در ایران به‌واسطه همین رشد آگاهی‌ها صورت گرفت، به‌واسطه فعالیت‌های چریکی و پارتیزانی و ترور… نبود. مردم آگاه شدند و انقلاب کردند. همین ایده را امام(ره) تحت‌عنوان صدور انقلاب دنظر داشتند. یعنی امام(ره) می‌گفتند با گروه‌های مسلح نمی‌توانید به جایی برسید. اگر بخواهید رژیم‌های اسلامی و ضدآمریکایی و ضدسلطه و ضددشمنان اسلام در منطقه شکل بگیرد، ملت‌ها را آگاه کنید. اگر ملت‌ها آگاه شدند، خودشان انقلاب می‌کنند، نظام‌ها و رژیم‌هایی را سرساکر می‌آورند که متناسب با منافع ملی خودشان و متناسب با ارزش‌های اسلامی باشد. اما برخی چنین چیزی را موردتوجه قرار نمی‌دادند، مثلا همین سیدمهدی هاشمی فکر می‌کرد با تجهیز برخی گروه‌ها می‌تواند کارهایی انجام دهد. اتفاقا چون این مملکردهای وی مورد انتقاد جدی نیروهای اصلی انقلاب بود، او را از سپاه کنار گذاشتند و واحد نهضت‌های آزادی‌بخش در سپاه اصلا منحل شد. این به‌واسطه این بود که حضرت امام(ره) و نیروهای اصیل انقلابی این جور کارها را قبول نداشتند و به اصطلاح مفید نمی‌دانستند. هم واحد نهضت‌ها تعطیل شد و هم سیدمهدی از سپاه اخراج شد. البته بعدا هم که در فضای فکری خود دست به کارهایی زد و موجب قتل‌ها و جنایتهایی در داخل کشور شده بود، دستگیر و محاکمه و اعدام شد. به‌هرحال در آن زمان کم‌وبیش کسانی بودند که در همین حوزه فکری سیدمهدی هاشمی فکر می‌کردند و به اصطلاح آتش‌شان خیلی تند بود؛ اتفاقا این جور آدم‌ها در مراحل بعدی دچار استحاله فکری شدند و اساسا بحث مبارزه با سلطه آمریکا را کنار گذاشتند. به‌عبارتی از آن آتش تند آتچنانی، به این سمت چرخیدند که می‌گویند ما چاره‌ای جز سازش با آمریکا نداریم و امروز در این مسیر سیر می‌کنند. اما آنهایی که بحث رشد و آگاهی را در ملت‌ها دنبال می‌کردند، امروز هم در آن مسیر پیش می‌روند. البته باید توجه داشت حمایت از ملت‌ها دربرابر متجاوزان بحث دیگری است. به‌عنوان مثال حمایت از ملت لبنان دربرابر متجاوزان صهیونیستی، حمایت از ملت فلسطین دربرابر جنایتکاران رژیم صهیونیستی و… این بحث از یک نهضت آزادی‌بخش یا یک گروه سیاسی نیست بلکه بحث از حمایت از یک ملت است، بحث از مقاومت دربرابر صهیونیسم است. این ماجرای دیگری است و با آن نمی‌توان مقایسه کرد. بحث آنها گروه‌های سیاسی کوچکی بود که در جاهای مختلفی وجود داشتند ولی این بحث یک ملت و بحث مقابله با صهیونیسم است.

با این وصف، به نظر شما آن زمان امثال آقایان میردامادی و شکوری‌راد که به طیف تندروی بعثه اواسط دهه ۶۰ معروف بودند هم متأثر از سیدمهدی هاشمی محسوب می‌شدند؟

نه، من این را نمی‌توانم بگویم. دو نکته را باید دنظر داشت؛ اول اینکه جریان چپ همان‌طور که اشاره داشتید، یک طیف هستند، همه مثل هم نیستند و مانند هم فکر نمی‌کنند. نکته بعدی اینکه یک نحله فکری بود که به‌عنوان مثال سیدمهدی هاشمی هم جزء آنها محسوب می‌شد و معتقد به روش‌ها و اقدامات تندروانه بود و ممکن است دیگرینم می‌این روش‌ها را می‌پسندیدند. اینکه بگوییم آیا آنها تحت‌تأثیر سیدمهدی بودند، نه واقعا چنین چیزی را نمی‌توان گفت، اما اینکه بگویید اشتراکات فکری با آن روش‌های سیدمهدی داشتند، درست است؛ اشتراکاتی داشتند. شاید کسی ادعا کند حتی سیدمهدی تحت‌تأثیر آنها بود. من نه می‌گویم این تحت‌تأثیر آنها بود و نه آنها تحت‌تأثیر سیدمهدی بودند. آنها در یک نحله فکری بودند. کسانی بودند که این چنین تندروانه فکر می‌کردند و گمان می‌کردند که می‌توان این گونه انقلاب را گسترش داد و تحولاتی در منطقه ایجاد

کرد. اینها یک نحله فکری بودند. الان نمی‌خواهم اسم بیاوریم که چه کسانی بودند. شما می‌دانید در یک نحله فکری هم شدت و ضعف وجود دارد. کسی ممکن است اقدامات تندتری را ببینند و کسی ممکن است اقدامات کندتری را ببینند و نمی‌خواهم بگویم همه طیف چپ این‌طور بودند، همه آنها واقعا این‌طور نبودند. طیف چپ که می‌گویم عمدتا شامل کسانی می‌شد که بعدها روحانیون مبارز را تشکیل دادند، نیروهای سیاسی هم که مرتبط با روحانیون مبارز بودند جزء همین طیف چپ در آن زمان محسوب می‌شدند، تعدادی هم دانشجویان پیرو خط امام(ره) بودند که در همان ابتدای انقلاب سفارت آمریکا را تسخیر کردند و موردتایید امام(ره) هم قرار گرفتند. اینها در طول زمان تفکراتشان یکسان باقی نمانده است. نه اینها که دیگران هم به همین ترتیب هستند، چون بالاخره انسان هستند و انسان می‌تواند متغیرالاحوال باشد. حالا برخی ثابت‌قدم و دارای ثبات فکری هستند و برخی چنین نیستند و در طول زمان تغییر می‌کنند. منظورم از این تغییر، تغییر موضع دادن است وگرنه تکامل و رشد فکری که خوب است ولی برخی می‌بینیم به‌عنوان مثال در مسیر A هستند و بعد در طول زمان مسیر آنها A منفی می‌شود و درست مقابل مسیر قبلی پیش می‌روند. برخی در مسیر الف جلو می‌روند در طول زمان مسیر آنها مثبت الف می‌شود و در همان مسیر ارتقا می‌یابند. این طیف افراد هم به همین ترتیب هستند. آنچه بدیهی است اینکه تا آنجا که شواهد و قرائن نشان می‌دهد امام(ره) با حرکت‌های مسلحانه به‌معنای تجهیز و تسلیح گروه‌های کوچک سیاسی و نظامی موافق نبودند. اما امام(ره) از حرکت ملت‌ها در مسیر استقلال مبارزه با نیروهای سلطه‌گر ازجمله آمریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین نیروی سلطه‌گر و به تعبیر خود امام(ره) شیطان بزرگ حمایت می‌کردند. یعنی اگر قرار بود مثلا از ملت یمن برای مبارزه با آمریکا حمایت کنیم، امام(ره) حمایت می‌کردند. از ملت افغانستان برای مبارزه با اشغالگران شوروی حمایت کنیم، امام(ره) حمایت می‌کردند. از ملت عراق برای مبارزه با رژیم صدام، از ملت‌های منطقه برای مبارزه با سلطه آمریکا، حمایت می‌کردند. این حمایت چگونه بود؟ یعنی ما به ملت عربستان اسلحه به‌دهیم که با رژیم آل سعود بجنگد؟ نه، چنین چیزی نیست و امام(ره) چنین کاری را حمایت نمی‌کردند. آیا از ایده‌های استقلال طلبانه و مبارزه‌جویانه با سلطه آمریکا در میان ملت‌های منطقه حمایت کنیم؟ بله، به نظر من امام(ره) از این ایده حمایت می‌کردند. همان‌طور که بیان کردم، در برخی جاها قضیه فرق می‌کند، یعنی مثلا در لبنان بحث این نبود که از یک گروه سیاسی کوچک حمایت کنیم. درواقع در لبنان بحث مبارزه با صهیونیسم بود، هرچند در آن زمینه هم وقتی از طرف ایران یک تعداد نیروی نظامی به لبنان رفت، امام(ره) دستور بازگشت آنها را دادند و این‌طور مطرح کردند که ما ابتدا باید جنگ خود با رژیم بعثی را به سرانجام برسانیم و بعد بحث جنگ با لبنان انجام شود که شعار راه قدس از کربلا می‌گذرد، درواقع استنباطی بود که از ایده حضرت امام(ره) گرفته شده بود.

مبارزه با رژیم صهیونیستی یا حداقل دفاع از فلسطین در بیسن روشنفکران دنیا دیده می‌شود و درواقع یک رُست روشنفکری محسوب می‌شود، ولی در ایران برعکس است و عده‌ای را داریم که با رُست روشنفکری با آرمان دفاع از فلسطین مخالفت می‌کنند. این رُست و تفاوت برداشت از چه چیزی ناشی می‌شود؟

البته این را باید از خودشان پرسید که چرا شما از موجودیت اسرائیل دفاع می‌کنید؟! این را باید خودشان توضیح دهند که چرا دفاع می‌کنند. شاید همان‌طور که عرض کردم، برخی به این نتیجه رسیده‌اند که نابودی رژیم صهیونیستی غیرممکن است و بنابراین برای ما

راهی جز سازش با آن وجود ندارد و کم‌کم در این مسیر به اندازه‌ای پیش رفتند که حالا اصلا مدافع موجودیت اسرائیل شده‌اند! یک زمانی است که برای یک فرد موجودیت کشوری علی‌السویه است و تفاوتی ندارد که باشد یا نباشد. ولی زمانی هم هست چون فرد در این مسیر پیش می‌رود و استدلال می‌آورد، به‌تدریج به نقطه‌ای می‌رسد که می‌گوید اسرائیل باید باشد و مدافع رژیم صهیونیستی می‌شود و طرز تفکر او همانند صهیونیست‌ها می‌شود! به این معنی که اگر آنها (صهیونیست‌ها و مدافعان‌شان) می‌گویند فلسطینی‌ها تروریست هستند، این هم می‌گوید آنها تروریست هستند! یعنی این همه جنایات رژیم صهیونیستی را در گذشته و در زمان حاضر از یاد می‌برد و دفاع مشروع ملت فلسطین با ملت لبنان از خود را تحت‌عنوان عملیات تروریستی یاد می‌کند!

من نمی‌خواهم انگیزه‌خوانی کنم، انگیزه واقعا در قلب و روح آنهاست و ما نمی‌دانیم آنهایی که از عدم‌مبارزه

این ایده که درواقع ساکنان اصلی و واقعی سرزمین فلسطین اعم از مسلمان، یهودی و مسیحی درباره نوع حکومت خودتصمیم بگیرند، دموکراتیک‌ترین ایده‌ای است که می‌توان مطرح کرد. اگر در قالب این ایده و رای گیری‌ای که به‌عمل می‌آید، یک دولت یهودی بر سر کار آمد، قطعانظام جمهوری اسلامی آن را به رسمیت خواهد شناخت… مدعیان دموکراسی همین ایده را اجرایی کنند ولی آنها می‌گویند فلسطینی‌ها اصلاحق حیات در این سرزمین را ندارند!

با رژیم صهیونیستی و صهیونیسم حرف می‌زنند، چرا چنین حرف باطلی را می‌زنند تا آنجا که تبدیل به مدافع رژیم صهیونیستی شده‌اند! آنچه بدیهی است این است که راه اشتباهی را طی می‌کنند و باید به وقایع تاریخی توجه داشته باشند، باید به ذات و ماهیت این رژیم پی برد. ماهیت رژیم صهیونیستی نمودی از صهیونیسم جهانی است و ما بیشتر از آنکه این رژیم را بشناسیم و به زوایای وجودی آن پی ببریم، باید صهیونیسم جهانی را موردمطالعه قرار دهیم و ابعاد وجودی آن را درک کنیم، طرح‌ها و نقشه‌های آن را برای دنیای امروز و بی‌ریزی دنیای آینده بفهمیم و بعد رژیم صهیونیستی را به‌عنوان نمونه و نمود از این صهیونیسم جهانی موردمطالعه قرار دهیم و راجع‌به آن موضع‌گیری کنیم. اگر واقعا صهیونیسم جهانی چیز خوبی است، روش‌های خوبی دارد و دنیای خوبی را برای ما رقم خواهد زد؛ پس طبیعتا رژیم صهیونیستی هم چیز خوبی است، نباید با آن جنگید و آن را از بین برد! اما اگر صهیونیسم جهانی چیز خوبی نیست و دنیایی که او مطرح‌ریزی می‌کند تا به وجود آید، دنیای خوبی از نظر ما نیست پس حتما رژیم صهیونیستی هم چیز خوبی نیست و باید با آن مبارزه کرد. به‌خصوص اینکه ما بالاخره عملکردهای رژیم صهیونیستی را در طول حدود ۱۰۰ سال گذشته شاهدیم؛ یعنی از ابتدای مهاجرت صهیونیست‌ها به فلسطین و اشغال این سرزمین که از اوایل قرن بیستم شروع شد تا حال حاضر که تقریبا نیمه این صد سال دولت صهیونیستی شکل می‌گیرد ولی جنایات‌شان از

گفت‌وگو در یک نگاه

- سران نازی به کشورهای دیگر حمله و سرزمین آنها را اشغال کرده، مردم آن سرزمین‌ها را کشته بودند. البته هدف‌شان هم این بود که برای همیشه در آن سرزمین‌های اشغالی بمانند ولی شکست خوردند و آنها را در دادگاه نورنبرگ محاکمه کردند. مگر صهیونیست‌ها غیر از این کارها را انجام دادند!؟
- همان هولوکاستی را که نازی‌ها به‌اصطلاح علیه یهودی‌ها شکل دادند صهیونیست‌ها به‌مراتب سنگین‌تر و جنایتکارانه‌تر علیه مردم فلسطین انجام دادند.
- هولوکاست اتفاق افتاده است اما در ابعاد ادعایی آن، حتی طبق تحقیقات غربی، جای بحث و تردید وجود دارد.
- هیتلر عامل اجرایی طرح و نقشه سران صهیونیسم بود. سران یهود و صهیونیست‌ها ازجمله مشوقان هیتلر و دستگاه نازی برای این اعمال فشارها به یهودیان بودند تا آنها در اروپا امنیت جانی و مالی نداشته و طبق نقشه طراحی‌شده، ناچار به مهاجرت به فلسطین شوند.
- نقش سیاست‌های انگلیس در سوق دادن یهودیان به سمت فلسطین در امپراتوری عثمانی آن زمان یک نقش برجسته است.
- انگلستان با اعلامیه بالفور حمایت بزرگ‌ترین قدرت نظامی از مهاجرت یهودیان به فلسطین را اعلام و درنهایت به شکل گیری رژیم صهیونیستی کمک کرد. به‌اصطلاح با یک‌تیر دو نشان را زدند؛ خود و اروپا را از شر یهودیان که اقلیتی منقرض بودند نجات دادند و عامل خود را در قلب کشورهای اسلامی قرار دادیم.
- امثال محسن میردامادی و بخشی از جریان چپ (بعد از انقلاب) برداشت خاصی از ایده صدور انقلاب داشتند که برداشت نامتعارفی بود و ایده‌های افراطی و تندروانه در این زمینه داشتند. دست به کارهایی می‌زدند که به هیچ‌وجه مورد تایید نبود. چه‌سا موجب زحمانی هم برای کشور و نظام می‌شد.
- شاخص این‌گونه افراد تندرو سیدمهدی هاشمی بود و با وی در یک نحله فکری بودند. اینکه بگوییم آیا آنها تحت‌تأثیر سیدمهدی بودند، نه واقعا چنین چیزی را نمی‌توان گفت، اما اینکه بگویید اشتراکات فکری با آن روش‌های سیدمهدی داشتند، درست است.

چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۹ شماره ۳۰۴۴

۱۹

راهبرد

همان زمان که کم‌کم و به‌تدریج وارد فلسطین می‌شوند، آغاز می‌شود، گروه‌های تروریستی آنها شکل می‌گیرد و حمله به فلسطینی‌ها آغاز می‌شود تا اینکه به ۱۹۴۸ می‌رسند و اعلام دولت می‌کنند و جنایات آنها گسترده می‌شود؛ در طول این صد سال با جنایات مختلفی از سوی صهیونیست‌ها مواجه بوده‌ایم و صهیونیست‌ها کارنامه سیاهی از خود به جا گذاشته‌اند؛ این تاریخی است که نمی‌توان انکار کرد. اگر این کارنامه روشن، انسان دوستانه و مطابق با موازین حقوق بشری است پس رژیم صهیونیستی خوب است و نباید با آن مبارزه کرد. اما اگر این کارنامه مملو از جنایت، تبه‌کاری، زورگویی و ستم به دیگران است؛ این کارنامه را که نمی‌توان از پیش چشم‌مان کنار بگذاریم. ماهیت رژیم کنونی رژیم صهیونیستی می‌توانی با آن زمان قبل نکرده و چه‌سا بدتر، وحشی‌تر و خطرناک‌تر شده است. پس باید با این رژیم مخالف بود و تمام تلاش خود را باید بکنیم که با چنین رژیم خطرناکی که دیگر با حمایت آمریکا و غرب به سلاح‌های اتمی هم مسلح شده، در حد توان مبارزه کنیم و هیچ‌گاه هم نباید ناامید شد از اینکه چرا تاکنون این رژیم از بین نرفته است. رژیم صهیونیستی از بین رفتنی است و ان‌شاء‌الله از بین خواهد رفت.

درمقابل طرح صلح ادعایی ترامپ برای رژیم صهیونیستی و فلسطین یا همان طرح موسوم به معامله قرن، رهبری بر یک پیشنهاد راهبردی تاکید کردند. مبنی بر اینکه سرزوست فلسطینی‌ها مانند ساکنان هر سرزمین دیگری باید به دست خودشان تعیین شود و بر این اساس پیشنهاد برگزاری همه‌پرسی در فلسطین با حضور همه فلسطینیان اعم از اقوام و مذاهب گوناگون همچون مسلمان، مسیحی و یهودی را مطرح کردند. البته پیش از این نیز از سوی ایشان این ایده مطرح شده بود. این ایده چرا به‌عنوان تنها ایده راهبردی برتر و عملیاتی باید موردتوجه قرار گیرد؟

این ایده درواقع دموکراتیک‌ترین ایده‌ای است که می‌توان مطرح کرد. درواقع ساکنان اصلی و واقعی سرزمین فلسطین اعم از مسلمان، یهودی و مسیحی درباره نوع حکومت خود تصمیم بگیرند. آنهایی که ساکنان اصلی هستند و ریشه در منطقه دارند، تصمیم بگیرند. مگر آمریکا و کشورهای غربی خودشان را مدافع اصول دموکراتیک نمی‌دانند؟ این ایده هم کاملا دموکراتیک است. اگر در قالب این ایده و رای گیری‌ای که به‌عمل می‌آید، یک دولت یهودی بر سر کار آمد، قطعانظام جمهوری اسلامی آن را به رسمیت خواهد شناخت. یا اگر یک دولت مسیحی و یا یک دولت اسلامی روی کار آمد، همین‌طور است و همه دنیا باید دولت برآمده از رای گیری واقعی ساکنان اصلی سرزمین فلسطین را به رسمیت بشناسند. بنابراین مدعیان دموکراسی همین ایده را اجرایی کنند ولی آنها قائل به این قضیه نیستند. آنها می‌گویند فلسطینی‌ها اصلا حق حیات در این سرزمین را ندارند! کم‌اینکه شاهد هستید درحال حاضر صهیونیست‌ها هر روز در حال تخریب خانه‌های فلسطینی‌ها هستند و به بهانه‌های مختلف این کار را انجام می‌دهند، علی‌رغم اینکه طبق قطعنامه‌های شورای امنیت و سازمان ملل ساختن شهرک‌های جدید ممنوع است، باز همین‌طور شهرک‌سازی خود را ادامه می‌دهند. اینها مسائلی است که نشان می‌دهد اینها قائل به این حرف‌ها نیستند و زبان صهیونیست‌ها، زبان زور است و از همان ابتدا که وارد فلسطین شده‌اند، با زبان زور وارد شده و کار خود را پیش برده‌اند.

شبهه‌ای که توسط برخی مطرح می‌شود این است که مبارزه با رژیم صهیونیستی و به رسمیت نشناختن رژیم اشغالگر قدس به‌عنوان اسرائیل

چه ثمراتی در طول زمان داشته است و به‌هر ترتیب دولت اشغالگر قدس به‌رغم همه جنایات همچنان بر سر کار است. اینکه ما به‌ویژه هر سال و در یک روز مشخص (روز قدس) به دفاع از ملت فلسطین اقدام کنیم، چه ثمراتی را تاکنون در مسیر مبارزه با رژیم صهیونیستی رژیم زده است؟

این تحولات اخیر را بعد از انقلاب اسلامی ایران نباید نادیده گرفت. با مطرح شدن روز قدس به‌عنوان روز اسلام، هر سال آرمان فلسطین تازه می‌شود و هر سال در دنیا این مساله مطرح می‌شود که راهیمیایی علیه رژیم اشغالگر قدس صورت خواهد گرفت. در کشورهای مختلف، نزدیک به نیمی از کشورهای دنیا حداقل این تظاهرات و مراسم را برگزار می‌کنند و ایده مبارزه با صهیونیسم مطرح می‌شود. در طول سال‌های گذشته در مقابله ملت فلسطین و ملت لبنان با صهیونیست‌ها به‌صورت چشمگیری افزایش یافته است. به‌صورتی که امروز این صهیونیست‌ها هستند که برای دفاع از خود در بخش‌هایی از مرز خود با لبنان دیوارهای بتنی به ارتفاع ۵-۶ متر کشیده‌اند. این نشان‌دهنده ترس آنها از نیروهای مقاومت حزب‌الله و مردم لبنان است. زمانی بود آنها هر زمانی اراده می‌کردند، با ادوات نظامی اره می‌افتادند و تا بیروت هم پیش می‌رفتند بدون اینکه نیروی مقاومت جدی دربرابر آنها باشد! کم‌اینکه در سال ۱۹۸۲ این اتفاق افتاد؛ صهیونیست‌ها اردوگاه‌های فلسطینی در لبنان و در صبرا و تیتلرا را قتل‌عام کردند. با خیال راحت و بدون مزاحمتی از سوی دیگران این کار را انجام دادند ولی امروز کار به جایی رسیده که آنها از ترس نفوذ نیروهای مبارز لبنانی به درون خاک رژیم صهیونیستی، دیوار بتنی ۵-۶ متری می‌کشند. ببنیبد چندر ماجرا عوض شده است؛ این همان ایده حضرت امام(ره) نشأت می‌گیرد. این قوت و قدرتی را که در جبهه مقاومت اسلامی دربرابر صهیونیسم ایجاد شده، یک زمانی کسانی حتی در خواب هم نمی‌دیدند. این قوت و قدرتی است که از ایده اسلامی روز قدس نشأت می‌گیرد. روز قدس به‌معنای زنده نگه‌داشتن مبارزه با صهیونیسم است؛ این می‌تواند در جهان اسلام باشد و می‌تواند فرای جهان اسلام گسترش یابد و به تمام کسانی که آزاداندیش و آزادی‌خواه و ظلم‌ستیز هستند، سرزات یابد. این ایده به‌هرحال مثل کلمه طیبه است که ریشه آن محکم در زمین است و شاخ و برگ آن درحال رشد و گسترش است. اینکه آنها هم علیه روز قدس خیلی تبلیغات می‌کنند، یعنی نا‌زدیک شدن به روز قدس، تمام دستگاه‌های تبلیغاتی و سیاسی دنیای غرب، صهیونیسم و خود رژیم صهیونیستی به تکاپو می‌افتند؛ برای اینکه ایده روز قدس را به انحای مختلف؛ از طریق استدلال یا از طریق استهزا، مورد‌هجوم قرار دهند. این دقیقا به‌خاطر این است که از این ایده بسیار می‌ترسند. اگر این ایده، یک ایده ناکارآمد و بی‌ارزش بود، این همه برای حمله به آن سرمایه‌گذاری نمی‌کردند. پس اگر می‌بینید این ایده مورد حمله جدی واقع می‌شود، معلوم است که از این ایده می‌ترسند و می‌خواهند به‌هترتیب ممکن این ایده را نابود کنند که البته تاکنون نتوانسته‌اند و نخواهند توانست. به‌هرحال این ایده در طول این سال‌ها موجب شده آرمان فلسطین زنده باشد، اشغالگری و جنایتکاری رژیم صهیونیستی همیشه در پیش چشم مردم حاضر باشد. نفرت از رژیم صهیونیستی و صهیونیسم در بین ملت‌های اسلامی جاری باشد و یاد فلسطین در خاطره‌ها زنده بماند و در طول زمان هم جلو برود. آنها می‌خواهند با دفن کردن ایده روز قدس درواقع جلوی جاری شدن و سرایت این ایده به نسل‌های بعدی را بگیرند. ببینید امام(ره) سال ۵۸ روز قدس را مطرح کردند. از آن زمان حدود ۴۱ سال گذشته است. اگر این ایده مطرح نشده بود، چه‌پسنا نسل‌های بعد از سال ۵۸ به‌تدریج ایده و آرمان فلسطین را از یاد می‌بردند ولی با

ایده روز قدس این آرمان و این ایده هر سال نو می‌شود. کودک دوساله، پنج‌ساله، ۱۰ ساله، نوجوان ۱۵ ساله، جوان ۲۵ ساله که بعد از آن ماجراها به دنیا آمده‌اند یا در این تظاهرات شرکت می‌کنند یا به‌هرحال از هر طریقی مطلع می‌شوند از اینکه روزی به نام روز قدس وجود دارد و این روز به‌معنای مبارزه با صهیونیسم است. این چند طرح هوشمندانه‌ای بود که امام(ره) ریخته است و این ایده در نسل‌ها جاری می‌شود و همین‌طور به پیش می‌رود. بنابراین یک کار بزرگی است که امام(ره) انجام داده بودند و به نظر من ثمرات زیادی داشته است. حالا ممکن است برخی بگویند ما مرگ بر اسرائیل گفتیم مگر اسرائیل از بین رفت؟! ظاهر وجودی اسرائیل الان هست، اما اگر نگفته بودیم، چه اتفاقی افتاده بود؟ باید به این فکر کرد که اگر مبارزه نکرده بودیم و این روح مبارزه در ملت‌های منطقه مرتب مورد پیادآوری قرار نمی‌گرفت، چه اتفاقی می‌افتاد؟ اینها به‌هرحال جزء برکات این ماجراست و البته باید به قوت و قدرت جبهه اسلامی دربرابر صهیونیسم توجه داشت. همان‌طور که بیان کردم روزی رژیم صهیونیستی می‌آمد داخل لبنان اما درحال حاضر این رژیم نگران حملات نیروهای لبنانی به خود است و نگران است که با سلاح‌های مختلف مورد حمله قرار نگیرد. از این نظر رژیم صهیونیستی واقعا نگران است. به‌هرحال ایده امام(ره) آن کار بزرگی بود که انجام شده و جلو آمده و این خط مبارزه با رژیم صهیونیستی را همیشه پررنگ در طول زمان نگه داشته است و ان‌شاء‌الله به نتیجه هم خواهد رسید.